کارگران جهان متحد شوید!

۱۰۰ ریال

برنامهٔ
حزب کمونیست ایران

مصوب:

کنگرهٔ مؤسس حزب کمونیست ایران

شهریور ۱۳۶۲

iran-archive.com

برنامهٔ
حزب کمونیست ایران

مصوب کنگره موسس حزب کمونیست ایران

شهریور ۱۳۶۲

iran-archive.com

کمونیستها همیشه ملزم بوده اند که نظرات، اهداف وتمایلات خودرا به روشن ترین وجه بیان دارند، نیاز طبقهٔ کارگر ایران به رهبری مصمم وانقلابی وجود احزاب و نیروهای متعدد بورژوائی در ایران وجهان که ریاکارانه تحت نام کمونیسم سخن میگویند، برلزوم ادای این وظیفه بیش از پیش تاکید میکند.

ما در پاسخ به این وظیفه اعلام میداریم که کمونیست هستیم، بر تئوری مارکس، انگلس ولنین اتکا داریم وبر صحت وحقانیت آموزشهای این تئوری پای میفشاریم. این تئوری راه مبارزه ما را روشن نموده است. این تئوری اهداف وشیوه های کمونیستها را توضیح داده وتاکید کرده است که وظیفه حزب پرولتری برنامه پردازی برای نوسازی واصلاح سرمایه داری و موعظه خوانی برای سرمایه داران درباره بهبود وضع کارگران نیست، توسل به فریب وتوطئه ومعامله گری برای نیل به قدرت نیست، بلکه سازماندهی مبارزهٔ طبقاتی پرولتاریا ورهبری این مبارزه در تمام وجوه آنست. مبارزه ایکه تصرف قدرت سیاسی توسط طبقهٔ کارگر وسازمان دادن جامعهٔ سوسیالیستی، هدف نهائی آن را تشکیل میدهد.

ما کمونیستها منافعی جدا از منافع طبقه کارگر نداریم ومعتقدیم که طبقه کارگر به نیروی خود آزاد میگردد، پس وظیفه خودرا این قرار داده ایم که در همه جا تضاد منافع کارگران وسرمایه داران را افشاء کنیم،

iran-archive.com

مبانی استثمار و مشقات طبقه کارگر در نظام سرمایه‌داری را روشن نماییم و مبارزه طبقاتی کارگران را در جهت پیروزی انقلاب اجتماعی پرولتاریا، که نه تنها طبقه کارگر بلکه تمام بشریت را رهاخواهد ساخت، سازماندهی و رهبری کنیم:

از اینرو ما برنامه خود را اعلام میداریم، توده‌های وسیع طبقه کارگر را به مبارزه تحت این پرچم فرا میخوانیم و برای تحقق کامل و همه جانبه این برنامه با نیروی جنبش انقلابی طبقه کارگر پیگیرانه مبارزه میکنیم.

★

۱. ایران کشوری سرمایه‌داری است. اصلاحات ارضی دهه چهل جریان طولانی و کند تحول شیوه تولیدی ایران از فئودالی به سرمایه‌داری را به فرجام نرسانید. اصلاحات ارضی، میلیونها روستائی را که در نتیجه آن خلع ید شده بودند به بازار کار مزدی، عمدتا در شهرها و به درجه کمتری در روستا، روانه کرد و آن ارتش وسیع کارگران مزدی را که شرط لازم تسلط تولید و استثمار سرمایه‌داری است، بوجود آورد. این خلع یدکه اساسا برمبنای نیازهای سرمایه امپریالیستی صورت گرفت، ایران را بمثابه یک کشور تحت سلطه امپریالیسم به جرگه کشورهای سرمایه‌داری کشانید.

بدینسان در ایران نیز همچون دیگر کشورهای سرمایه‌داری، مبارزه استثمارشوندگان علیه استثمارکنندگان بر محور مبارزه پرولتاریا و بورژوازی بمثابه طبقات اصلی جامعه شکل میگیرد.

۲. خصلت جهانی نظام سرمایه‌داری به جنبش عظیم طبقه کارگر برای رهائی، ناگزیر خصلتی جهانی می بخشد. مبارزه پرولتاریا علیه سرمایه‌داری مبارزه‌ای بین‌المللی است، اما طبقه کارگر هر کشور باید در وهله اول کار را با بورژوازی کشور خود یکسره کند.

۳. حزب کمونیست ایران حزب پیشرو طبقه کارگر ایران و یکی از گردانهای ارتش جهانی طبقه کارگر است، و برای همان هدفی مبارزه میکند که کمونیستهای سراسر جهان پیشاروی خود قرار داده‌اند. این هدف که بوسیله خصوصیات بنیادی جامعه سرمایه‌داری و روند تکوین و توسعه آن معین گشته است، برچیدن نظام سرمایه‌داری و جایگزینی آن با سوسیالیسم است.

۴. نظام سرمایه‌داری منشاء و عامل بقای تمام مشقات و محرومیتهای مادی و معنوی و موقعیت ناامن و نابسامان کارگران و توده‌های زحمتکش و تهیدست در سراسر جهان است. این نظام مسبب فقر و فلاکت و قحطی، بیکاری و بی خانمانی و جنگ، تبعیضات اجتماعی و بی حقوقی سیاسی، تبعیض نژادی، ستم ملی و ستمکشی زن، جهل، فحشاء و اعتیاد و کلیه مصائب گریبانگیر توده‌ها است.

خصوصیت اصلی این نظام کالائی نیروی کار و استثمار کار مزدی است. در این نظام بخش اعظم و عمده وسائل تولید و مبادله در مالکیت خصوصی و یا تحت اختیار طبقه‌ای است که اقلیتی ناچیز را در جامعه در بر میگیرد و برای کسب سود هرچه بیشتر، اکثریت عظیم جامعه را که عمدتا از پرولترها و نیمه پرولترهائی تشکیل

iran-archive.com

میشودکه برای ادامه حیات دائما یا متنا وبا نا چا را زفروش نیروی کارخویش هستند ،استثمار میکنند .دراین نظام هرقدر کارگران بیشتروشدیدترکار میکنندوبه ثروت اجتماعی میافزایند، سرمایه قدرت اجتماعی بیشتری می یابد ،هرچه سرمایه قدرتمندتر میشود ،توده های وسیع کارگروزحمتکش به نابسامانی ومحرومیت های اجتماعی عمیقتری دچار میگردند .

رقابت وهرج ومرج تولیدا جزاء لایتجزای تولیدسرمایه داری هستندودقیقا ازدرون ومجرای این هرج ومرج تولیداست که قوانین کورا قتصادی جامعه سرمایه داری،خودرا اعمال میکنند ونتایج وعواقب فلاکتبار خودرا به بار میآورند .همراه با انباشت وتمرکزنا گزیروروزافزون سرمایه ،ازیکسواستثمارتوده های کارگرشدت مییابدوازسوی دیگراقشارهرچه وسیعتری از تولید کنندگان خردبه ورشکستگی کشیده شده وبه صفوف طبقه کارگررانده میشوندویا درشرایط فلاکتباری به سرمایه وابسته میگردند . همچنین بحرانهای اقتصادی ادواری ومکررسرمایه داری که نتیجه اجتناب ناپذیرتضادذاتی این نظام ،یعنی تضادمیان خصلت اجتماعی تولیدوخصلت خصوصی مالکیت بروسائل تولیداست ،هر بار به مراتب به ابعادمشقات توده ها میافزایدوشکاف میان فقیر وغنی را عمق وگسترش بیشتری میبخشد .

۵.

اما نابودی سرمایه داری اجتناب ناپذیراست ،چه این نظام در سیرتوسعه خودضرورت وشرایط نابودی خودرا فراهم میآورد .نظام سرمایه داری ازیکسوبدلیل تضادهای بنیادی اقتصادی اش واساسا ازآنروکه همراه با انباشت سرمایه ،عرصه سودآوری هرچه بیشتربه سرمایه تنگ میشود ،به بن بست میرسد .وازسوی دیگراین نظام در

بطن خودگورکن خویش یعنی پرولتاریا را بوجودمیآورد .درروند توسعه سرمایه داری برشمارکارگران افزوده می شود ،قدرت و همبستگی طبقه کارگرافزایش مییابد ،پرولتاریا قدرت خود را بیشتردرمییابدونبردا وبرضداستثمارگران حادتروپرتوانتر میشود .بعلاوه رشدقدرت تولیدیواجتماعی شدن هرچه بیشترتولید درنظام سرمایه داری،مقدمات وامکان مادی تحقق سوسیالیسم را فراهم میسازد .

همراه با توسعه سرمایه داری نارضایتی عمومی از وضع موجودشدت میگیرد ،اما درمقابل تمام اقشارغیرپرولترکه به درجات مختلف درحفظ بنیادهای سرمایه داری ذینفعند ،این تنها پرولتاریاست که بدلیل جایگاه ویژه خوددرتولیداجتماعی، تنها طبقه تا آخرانقلابی وقادربه نابودی نظام سرمایه داری است .

۶.

انقلاب سوسیالیستی پرولتاریا ازاستثمارگران خلع ید میکندووسائل تولیدومبادله راکه باکارورتلاش وبه قیمت مشقات و محرومیتهای میلیونها کارگروزحمتکش بوجودآمده اند ، از مالکیت خصوصی واختیارطبقه سرمایه دارخارج کرده ودراختیارکل جامعه قرارمیدهد .جایگزینی مالکیت اجتماعی بجای مالکیت خصوصی امکان میدهدکه نیروهای مولدعظیم ودستآوردهای مادی ومعنوی گوناگون جامعه درهمه زمینه های علوم ،تکنولوژی و فرهنگ که درنظام سرمایه داری تنها درجهت سودآوری هرچه بیشتر سرمایه بکارگرفته میشوند ،درخدمت رفع نیازهای مادی ومعنوی توده مردم درآیند .رقابت جای خودرا به تعاون وهمکاری همگانی میدهدوتولیدسوسیالیستی سازمان یافته وبرنامه ریزی شده به جای هرج ومرج تولیدسرمایه داری می نشیند .

iran-archive.com

بدین ترتیب انقلاب اجتماعی پرولتاریا به تمامی اشکال بهره‌کشی بخشی از جامعه از بخش دیگر و به تقسیم جامعه به طبقات استثمارگر و استثمارشونده و طبقات بالادست و فرودست پایان میدهد و حداکثر رفاه و ارتقاء همه‌جانبه زندگی آحاد مردم را تامین میکند. بدینسان انقلاب اجتماعی پرولتاریا بشریت را به جامعه کمونیستی رهنمون میشود. جامعه‌ای که در آن همراه با طبقات، دولت نیز زوال یافته و بشریت برای نخستین بار بر سرنوشت اجتماعی خود مسلط خواهد شد و در نتیجه به معنای واقعی آزاد خواهد گشت.

۷.

شرط لازم تحقق انقلاب اجتماعی پرولتاریا و برقراری سوسیالیسم، درهم کوبیدن ماشین دولتی بورژوائی، تسخیر قدرت سیاسی توسط طبقه کارگر و استقرار دیکتاتوری پرولتاریا است. دیکتاتوری پرولتاریا، پرولتاریای سازمان یافته به مثابه طبقه حاکمه است. این دولت نوین وظیفه به فرجام رساندن انقلاب اجتماعی و سرکوب مقاومت استثمارگران را به عهده دارد. دیکتاتوری پرولتاریا، دمکراسی برای کارگران و توده‌های وسیع زحمتکش و ستمدیده و سرکوب برای استثمارگران است و این کامل‌ترین و عالیترین نوع دمکراسی است.

۸.

برای آنکه طبقه کارگر به انجام رسالت تاریخی خود نائل شود باید که در حزب مستقل طبقاتی و ستاد رهبری کننده مبارزه خود علیه سرمایه‌داری، یعنی حزب کمونیست متحد و متشکل شود. حزبی

که با اتکا بر تئوری مارکس، انگلس و لنین کلیه وجوه مبارزه طبقاتی پرولتاریا علیه بورژوازی را سازمان داده و طبقه کارگر را در انجام انقلاب اجتماعی رهبری مینماید. حزبی که علاوه بر این، چاره‌ناپذیری مشقات و محرومیتهای سایر توده‌های تحت ستم و استثمار در چهارچوب نظام سرمایه‌داری را برای آنان توضیح داده و آنان را در مبارزه برای رهائی کامل، به ترک موضع طبقاتی خود و پیوستن به صفوف پرولتاریای انقلابی فرا میخواند.

۹.

از ابتدای قرن بیستم سرمایه‌داری به مرحله امپریالیسم پا نهاده است. امپریالیسم یا مرحله انحصاری سرمایه‌داری، عصری است که در آن انحصارات و سرمایه مالی سیادت بدست آورده و رقابت آزاد میان اقشار و آحاد سرمایه را تحت الشعاع خود قرار میدهد. در عصر امپریالیسم صدور سرمایه بمنظور کسب فوق سود، یعنی سودی ما فوق آنچه انحصارات از بهره‌کشی از کارگران کشورهای امپریالیستی بدست میآورند، اهمیت فوق العاده‌ای پیدا میکند و تمام کشورهای جهان زیر بوغ سرمایه و امپریالیسم کشیده میشوند. در این عصر سراسر جهان از طرف انحصارات بزرگ امپریالیستی و دولتهای امپریالیست از نظر اقتصادی و ارضی تقسیم می گردد. جنگهای امپریالیستی که در ادامه کشمکشها و رقابتهای سبعانه میان انحصارات و دول امپریالیستی مختلف بخاطر استیلا بر جهان و یا تجدید تقسیم آن، بمنظور تسلط بر بازارهای کار و کالا و منابع مواد خام و به قصد انقیاد و الحاق ملتهای کوچک و ضعیفتر بر پا میشوند، در این عصر اجتناب ناپذیرند. دو جنگ جهانی و خانمان برانداز اول و دوم به همین منظور برپا شدند.

تشدید بحرانها و بیکاری و خانه‌خرابی مزمن میلیونها

iran-archive.com

انسان درسراسرجهان ،سرکوب مستمروخونین کارگران و خلقهای تحت ستم کشورهای مختلف ،میلیتاریسم وارتجاع سیاسی در اشکال گوناگون،همه بیانگراین واقعیت است که امپریالیسم بمثابه بالاترین مرحله سرمایه داری تمام خصوصیات استثمارگرانه وتضادهای بنیادی اقتصادی این نظام ونیزتمام ستمگریها و مشقات ناشی ازآن را شدت میبخشد .

نظربه عوامل فوق،امپریالیسم نه تنها بالاترین مرحله سرمایه داری ،بلکه مرحله گندیدگی،احتضاروزوال آن نیزهست . عصرامپریالیسم درعین حال عصرانقلاب سوسیالیستی پرولتاریاست .

۱۰.

یکی ازموانع اصلی سدراه مبارزه طبقاتی پرولتاریا برای سوسیالیسم ،رویزیونیسم است .رویزیونیسم یک پدیده بین المللی است وباوجوداینکه درهرکشورممکن است مضمون و شکل ویژه ای بخودبپذیرد ،اساسا بمعنای عدول ازمبانی تئوری وبرنامه انقلابی مارکسیسم - لنینیسم وتحریف بورژوائی آن است که دررمینه سیاسی بمعنای نفی مبارزه طبقاتی ودیکتاتوری پرولتاریاست .رویزیونیست ها واحزاب مختلف رویزیونیست که درکشورهای مختلف نمایندگان فکری وعاملین نفوذبورژوازی درصفوف جنبش انقلابی طبقه کارگرمیباشند ،نقشی جزکشاندن پرولتاریا به زیرسلطه بورژوازی ندارند .لذا ،مبارزه برای سوسیالیسم ازنقطه نظرپرولتاریای انقلابی ازمبارزه علیه رویزیونیسم واشکال متنوع آن جدانیست .رویزیونیسم درسطح بین المللی امروزه عمدتا دراشکال رویزیونیسم "مدرن" ، رویزیونیسم "سه جهانی" ،"کمونیسم اروپائی" وتروتسکیسم خود

را نشان میدهد . بعلاوه رویزیونیسم پوپولیستی نیزبه مشابه سوسیالیسم خرده بورژوائی تحت پوشش مارکسیسم ،بویژه در کشورهای تحت سلطه امپریالیسم امروزه به مانع مهمی برسرراه استقلال ورشدجنبش کارگری وکمونیستی دراینگونه کشورها بدل شده است .

حزب کمونیست ایران بعنوان مظهر ومدافع استقلال ایدئولوژیک وسیاسی طبقه کارگرایران درادامه مبارزه پیروزمندمارکسیسم انقلابی برعلیه رویزیونیسم پوپولیستی تشکیل شده است .موفقیت حزب کمونیست ایران دربسط وتحکیم نفوذخوددرمیان وسیعترین توده های کارگروزحمتکش وتوانائی آن درسازماندهی ورهبری انقلاب سوسیالیستی درگرومبارزه قاطع با اشکال مختلف رویزیونیسم درجنبش طبقه کارگراست . مبارزه علیه رویزیونیسم همواره ودرهمه حال یک وظیفه حیاتی واصلی حزب کمونیست ایران را تشکیل میدهد .

مقابله با قطبهای جهانی رویزیونیسم وایجادستاد رهبری پرولتری درسطح جهان که مبارزه طبقه کارگردرکشورهای مختلف را تحت پرچم مارکسیسم - لنینیسم هدایت ،سازماندهی وهماهنگ نماید ،یک وظیفه اساسی کلیه احزاب ونیروهای کمونیست درسراسر جهان است .تحقق این امردرگروتلاش برای ایجادیک بین الملل نوین لنینی است وما دراین راه پیگیرانه مبارزه خواهیم کرد .

۱۱.

حاکمیت رویزیونیسم برحزب کمونیست شوروی به شکست و عقب رانده شدن طبقه کارگرجهانی ازیک سنگرمهم خودانجامیده است .اکنون بورژوازی درشوروی موفق شده است که دیکتاتوری پرولتاریا را ازبین ببردوحاکمیت سیاسی خودرا دراین کشور

iran-archive.com

احیاء نماید. حزب کمونیست شوروی به حزبی بورژوائی بدل شده است و بورژوازی با اتکا بر آن، پیشروی اولیه پرولتاریای شوروی درجهت ساختمان سوسیالیسم را به شکست کشانیده و سرمایه داری انحصاری دولتی را در این کشور مستقر نموده است. شوروی کشوری امپریالیستی است و بورژوازی شوروی در راس یکی از ردوگاههای امپریالیستی جهان، با اتکا بر سیاستهای تجاوزگرانه و میلیتاریستی برای به انقیاد کشاندن ملل ضعیف و حفظ و تحکیم موقعیت خود در تقسیم امپریالیستی جهان تلاش میکند و در عین حال میکوشد تا با تکیه بر تحریفات رویزیونیستی مارکسیسم بمنظور حفظ حاکمیت خود بر پرولتاریای شوروی و کشورهای تحت سلطه خویش و به انحراف کشیدن جنبشهای کارگری و انقلابی در سراسر جهان، ماهیت امپریالیستی و ضدانقلابی خود را تحت نام سوسیالیسم و مارکسیسم پنهان سازد. شوروی امروز پرچمدار و نقطه اتکا رویزیونیسم "مدرن" است و دفاع این کشور از برخی رفرمهای اقتصادی بورژوائی در کشورهای تحت سلطه ـ رفرمهائی که در عصر انقلابات پرولتری ماهیتا ارتجاعی اند ـ سیاستی ریاکارانه درجهت به انحراف کشیدن جنبشهای ضد امپریالیستی و بزاری برای گسترش و تحکیم موقعیت خویش در رقابتهای جهانی امپریالیستی است.

درچین نیز با تسلط قطعی رویزیونیسم بر حزب کمونیست این کشور، طبقه کارگر بطور کامل از قدرت سیاسی بیرون رانده شده و قدرت بورژوازی و نظام سرمایه داری در آن تحکیم یافته است. امروزه چین به ارد وگاه ضدانقلاب امپریالیستی جهان تعلق دارد و پرچمدار و نقطه اتکا رویزیونیسم "سه جهانی" و در کنار امپریالیسم آمریکا عمدتا مدافع عریانترین اشکال ارتجاع بورژوائی است.

اما علیرغم همه شکستهای موقتی که بورژوازی و امپریالیسم بر طبقه کارگر و توده های ستمکش تحت رهبری او تحمیل کرده اند،

وعلیرغم تمام موانعی که بر سر راه انقلاب پرولتری قرار میدهند، مبارزه طبقاتی پرولتاریای جهانی ادامه یافته و پیروزی نهائی او اجتناب ناپذیر است.

۱۲.

ورود سرمایه داری به مرحله امپریالیسم، تکمیل تقسیم جهان میان دول و قدرتهای امپریالیستی، رشد سرمایه داری در کشورهای تحت سلطه بویژه پس از جنگ دوم جهانی و مکان خاصی که هریک از این کشورها در تقسیم کار جهانی امپریالیسم یافته اند، و همچنین تبدیل شوروی به یک قدرت امپریالیستی جدید، از جمله مهمترین عواملی هستند که بخشهای مختلف طبقه کارگر جهانی را در مبارزه واحد خود برای رهایی با شرایط عینی متفاوت و موانع عملی مختلفی روبرو ساخته اند. این امر کمونیستها را ملزم میسازد تا برای رسیدن به هدف نهائی و مشترک خود، در هر کشور مبارزه برای اهداف فوری متفاوتی را در دستور کار خود قرار دهند.

در کشورهای امپریالیست اروپای غربی و آمریکا، که در ادامه تکامل سرمایه داری از ابتدای قرن بیستم به قدرتهای بزرگ امپریالیستی بدل شده اند، سودهای کلان حاصل از صدور سرمایه و استثمار شدید کارگران و زحمتکشان کشورهای تحت سلطه، زمینه عینی شکل گیری و بقاء یک اشرافیت کارگری، یعنی بخشی از طبقه کارگر که مستقیم و یا غیرمستقیم از این فوق سود بهره مند میگردد، را بوجود آورده است. این اشرافیت کارگری که فاقد هر گونه خصلت انقلابی است به منافع و آرمانهای طبقه کارگر پشت کرده و به مبنای مادی نفوذ و بقای ایدئولوژی بورژوایی در طبقه کارگر و سازمانهای سیاسی آن بدل گشته است. نفوذ وسیع جریانات

iran-archive.com

رویزیونیستی، رفرمیستی و اپورتونیستی درجنبش طبقه کارگر این کشورها به بورژوازی امکان داده است تا درعین حال که شکل دمکراسی بورژوایی را بمثابه پوششی برای اعمال قهرطبقاتی خودحفظ میکند، با جنبشهای کارگری بنحو موثری مقابله کرده و شکستهای متعددی به این جنبشها تحمیل کند.

ازسوی دیگردرکشورهای تحت سلطه، که حوزه های صدور سرمایه وسودآوری کلان سرمایه های امپریالیستی را تشکیل میدهندودرآن طبقه کارگرودیگرتوده های زحمتکش تحت شدیدترین شرایط استثمار قراردارند، بقای حاکمیت بورژوازی وحفظ منافع سرمایه امپریالیستی بطرزگریزناپذیری به نفی همه جانبه دمکراسی واستقرارخشن ترین وسرکوبگرانه ترین رژیمهای دیکتاتوری بورژوایی وامپریالیستی بستگی یافته است. ازاینرودر کشورهای تحت سلطه مبارزات دمکراتیک وضدامپریالیستی امکان رشدمییابندودیگرتوده های زحمتکش بدرجات مختلف این قابلیت را دارندکه درکنارطبقه کارگربه مبارزه انقلابی کشیده شوند.

درشوروی وکشورهای اروپایی وابسته به این اردوگاه امپریالیستی، احزاب رویزیونیست حاکم موانع حدیدوویژه ای بر سرراه جنبشهای پرولتری دراین کشورها قراردادهاند. این احزاب قدرت دولتی را دراین کشورها بیش ازپیش تمرکزبخشیده و کنترل بوروکراتیک ـ نظامی دولت بورژوایی را برکل جامعه در زمینه های اقتصادی، سیاسی وفرهنگی بشدت گسترش داده اند، سرمایه داری انحصاری دولتی حاکم دراین کشورها را سوسیالیسم قلمدادکرده ومیراث انقلابات پرولتری جهان را به ابزاری برای دامن زدن به توهمات توده های کارگربه دولت بورژوایی بدل ساخته اند.

با اینکه درکشورهای سرمایه داری تحت سلطه امپریالیسم نیزسوسیالیسم تنها پاسخ انقلابی وقطعی به سرمایه داری محتضر

عصرامپریالیسم است، اما تحقق آن دراین کشورها ازطریق یک سلسله انقلابات وقیامهائی بوقوع می پیوندندکه به اشکال مختلف راه تسخیرنهائی قدرت توسط پرولتاریا را هموار میکنند. لذا جنبشهای انقلابی وانقلابات دمکراتیک ورهائیبخش درکشورهای تحت انقیاد امپریالیسم، نظیرمبارزات انقلابی ملل تحت ستم درسراسرجهان برای کسب حق تعیین سرنوشت، همگی درعصرکنونی نیروی ذخیره واجزاء بالقوه انقلاب سوسیالیستی جهانی پرولتاریا بشمارمیروند.

۱۳.

ایران کشوری سرمایه داری وتحت سلطه امپریالیسم است. خصلت مشخصه مناسبات تولیدی آن را استثمارشدیدووسیع نیروی کارارزان طبقه کارگرتشکیل میدهد. بهره کشی ازاین نیروی کار ارزان جزء لاینفک وشرط ضروری انباشت متعارف سرمایه درایران است. این شرایط ومناسبات، که مبنای آنرا سلطه امپریالیسم برتولیداجتماعی وبازارداخلی تشکیل میدهد، سرمایه های غیرانحصاری را، علیرغم رقابتی که برسرتملک دسترنج طبقه کارگروتوده های زحمتکش غیرپرولتربا سرمایه انحصاری دارند، اساسا درابقاء سلطه امپریالیسم وانحصارات امپریالیستی برحیات اقتصادی وسیاسی کشورذینفع میسازد، یعنی وحدت منافع بنیادی اقشارمختلف بورژوازی، اعم از انحصاری وغیرانحصاری، درحفظ وابقاء این شرایط استثمار گسترده وشدید، رقابتهای درونی آنها را تحت الشعاع قرار میدهد.

درمیان دوقطب پرولتاریا وبورژوازی، طیف گسترده ای از تولیدکنندگان وتوزیع کنندگان خرددرشهروروستا قرارگرفته اند

iran-archive.com

برای سرمایه‌های انحصاری و صدیک طبقه گسترده خرده بورژوازی که درنخستین از سایقی سود سهیم می‌شود تحت اندراست و خصلت انحصاری سرمایه آنها را به پایین می‌راند و خانه‌خراب می‌کند.

گه بخش قابل ملاحظه‌ای از جمعیت فعال کشور را تشکیل میدهند.

وجود این خرده بورژوازی وسیع، یک ویژگی مهم تقسیم‌بندی طبقاتی در ایران است. با رشد سرمایه‌داری در ایران بویژه پس از اصلاحات ارضی دهه چهل، بخش مهمی از این خرده بورژوازی، عمدتا در شهرها، از آنجا که توانسته است در حاشیه و سایه سرمایه‌های بزرگ و انحصاری صنعتی و تجاری به کسب و کار بپردازد، از موقعیت اقتصادی مساعدی برخوردار بوده است. اما توده وسیعتری از این خرده بورژوازی و عمدتا تولیدکنندگان کوچک روستائی به طور روزافزونی به ورطه ورشکستگی و فلاکت کشیده شده‌اند. قسمت اعظم اضافه محصول این تولیدکنندگان خرد بطرق مختلف توسط سرمایه‌های تجاری و ربائی و بانکها و غیره تصاحب میشود. سطح معیشت این اقشار نیز اساسا در رابطه با نیازهای سرمایه به منابع وسیع نیروی کار ارزان به حد بسیار نازلی کاهش میابد. این زحمتکشان غیرپرولتر که مستمرا در معرض جدائی از وسائل کسب و کار خود و پیوستن بصفوف کارگران مزدی قرار دارند، غیر مستقیم و با لقوه جزئی از ارتش ذخیره کار در کشور بشمار میروند.

ایران از نظر اقتصادی اساسا حوزه‌ای برای سودآوری کلان سرمایه انحصاری و انحصارات امپریالیستی محسوب میشود که درحال حاضر و در تقسیم موجود جهان میان دول و دسته‌بندیهای اقتصادی و سیاسی امپریالیستی جزء حیطه نفوذ و سلطه امپریالیسم آمریکا و بدرجه کمتری اروپای غربی و ژاپن قرار دارد. نیروی کار وسیع و ارزان طبقه کارگر که توده‌های وسیع زحمتکشان فقیر غیرپرولتر در شهر و روستا ذخیره عظیمی برای آن بشمار میروند، منابع غنی نفتی و دیگر مواد اولیه، بازار وسیعی که برای محصولات کشورهای امپریالیستی بوجود آمده است و مکان جغرافیائی ویژه ایران در مجاورت خلیج فارس از یکسو و شوروی از سوی دیگر، همه این عوامل ایران را از نقطه نظر منافع

اقتصادی و سیاسی امپریالیستها از اهمیتی حیاتی برخوردار میسازد.

امروز موقعیت ایران بمثابه یک کشور تولیدکننده و صادرکننده نفت در تقسیم کار جهانی امپریالیسم تثبیت شده است. صنعت نفت و درآمد حاصل از تولید و صدور مواد نفتی در سرمایه‌داری ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چرا که نه فقط سودهای هنگفت و درآمد سرشاری نصیب کارتلهای نفتی میکند، بلکه برای دولت بورژوائی ایران نیز منبع درآمد عظیمی بحساب میآید و گردش درآمدهای نفتی دولت در بازار داخلی، چه بصورت مخارج مصرفی دولت و چه در شکل سرمایه‌گذاریها و اعتبارات بانکی دولتی و در اشکال گوناگون دیگر، انباشت سرمایه در سطح کشور را سرعت و وسعت می بخشد، استثمار طبقه کارگر ایران و توده‌های زحمتکش را تشدید کرده و دامنه آن را گسترش میدهد و زمینه‌های بسیار مساعدی برای سودآوری کلان سرمایه در رشته‌های مختلف تولید و تجارت فراهم میسازد. به این ترتیب درآمد نفت در دست بورژوازی بمثابه عاملی در خدمت انقیاد اقتصادی و سیاسی هرچه بیشتر طبقه کارگر به بورژوازی و امپریالیسم عمل میکند.

حفظ این مناسبات و تداوم موقعیت ایران بمثابه یک کشور سرمایه‌داری تحت سلطه امپریالیسم و تحمیل این شرایط استثمار شدید بر توده‌های کارگر و زحمتکش، برای بورژوازی مستلزم برقرار کردن خشن ترین رژیمهای دیکتاتوری و دست زدن به وحشیانه ترین شیوه‌های سرکوبگرانه است. بعبارت دیگر روبنای متناسب با سرمایه‌داری ایران، دولتی مبتنی بر دیکتاتوری، قهر و ارتجاع عریان است.

iran-archive.com

۱۴.

درچنین شرایطی پرولتاریای آگاه ایران وحزب کمونیست او می بایدتا دروهله اول مساعدترین زمینه ها وپیش شرطهای اقتصادی وسیاسی را برای هرچه فشرده ترکردن صفوف خود، برای جلب بخش هرچه وسیعتری ازکارگران وزحمتکشان به زیرپرچم خودو برای حرکت نهایی خودبه سوی انقلاب سوسیالیستی، فراهم آورد. تحقق این پیش شرطهای اقتصادی وسیاسی درجامع ترین و کاملترین شکل خود ازطریق یک انقلاب دمکراتیک پیروزمند امکان پذیراست. انقلابی که غیرازپرولتاریا، اقشار وسیع زحمتکش وستمدیده غیرپرولتردرآن ذینفع وسهیمند. این انقلاب طلیعه انقلاب سوسیالیستی پرولتاریای ایران وجزء لاینجزای انقلاب سوسیالیستی جهانی است.

مضمون سیاسی واقتصادی پیروزی انقلاب دمکراتیک تحقق بخش حداقل برنامه پرولتاریا است.

مضمون سیاسی بخش حداقل برنامه پرولتاریا را درهم شکستن ماشین دولتی بورژوازی واستقراریک حکومت دمکراتیک که ابزارا عمال اراده وحاکمیت کارگران وزحمتکشان باشدتشکیل میدهد. این حکومت ضامن آنچنان دمکراسی وسیعی خواهدبودکه درآن مبارزه طبقاتی پرولتاریا علیه بورژوازی میتواندبه آزادانه ترین، آشکارترین ووسیعترین شکل بسط و تکامل یابد.

مضمون اقتصادی بخش حداقل برنامه پرولتاریا را نفی عملی سلطه امپریالیسم برشرایط زیست وکارپرولتاریا وتوده های زحمتکش وتهیدست، تامین رفاه نسبی کارگران وزحمتکشان ورفع موانع اقتصادی بسط مبارزه طبقاتی تشکیل میدهد. تحقق این امرعلاوه برافزایش توان طبقه کارگردرمبارزه برای رهایی قطعی، پیوستن زحمتکشان غیرپرولتربه این مبارزه را تسهیل خواهدکرد.

بنابراین برنامه حداقل پرولتاریا هم ازلحاظ اقتصادی وهم ازلحاظ سیاسی برنامه ای ضدامپریالیستی است که بویژه مناسب ترین شرایط اقتصادی وسیاسی مبارزه پرولتاریا برای انقلاب سوسیالیستی را فراهم میسازد.

ما اعلام میکنیم که شرط لازم پیروزی انقلاب دمکراتیک ایران تامین رهبری پرولتاریا وحزب کمونیست او درصفوف جنبش انقلابی است، ودرعین حال تاکیدمیورزیم که برای پرولتاریای انقلابی وحزب او پیروزی درانقلاب دمکراتیک پایان کار نیست واوازاین انقلاب بیدرنگ ودرست به میزان نیروی خویش، یعنی نیروی پرولتاریای آگاه ومتشکل، به انقلاب سوسیالیستی گذرخواهدکرد. ما کمونیستها خواهان انقلاب بی وقفه ایم.

۱۵.

انقلاب ۱۳۵۷ درایران که برزمینه بحران اقتصادی اواسط سالهای ۵۰ شکل گرفت دراولین مراحل خودوباقیام بهمن ماه ۱۳۵۷، رژیم سلطنت راکه مدافع آشکاراستثماروارتجاع امپریالیستی درایران بودبه زیرکشید. اما بدلیل فقدان صف مستقل پرولتاریا وعدم تامین رهبری اوبرجنبش انقلابی، رهبری جنبش دراختیارجریاناتی قرارگرفت که ازهمان پیش ازقیام خواستارمصون داشتن دستگاه دولتی بورژوازی ازضربات انقلاب وحفظ پایه های اساسی حاکمیت سرمایه وامپریالیسم درایران بودند. بدین ترتیب رژیم جمهوری اسلامی، برجای رژیم سلطنت نشست.

رژیم جمهوری اسلامی با ممانعت ازاعمال اراده دمکراتیک توده ها درتعیین سرنوشت واداره امورخودپس ازقیام بهمن، با بازپس گرفتن دستاوردهای دمکراتیک قیام، با استقرارحکومت

iran-archive.com

مذهبی وبکارگرفتن قوانین ونهادهای مذهبی درخدمت سرکوب توده‌ها، بابازسازی ارتش وبوروکراسی مافوق مردم وایجاد ارگانهای جدیدسرکوب طبقاتی بورژوازی وبا تحمیل فقروفلاکت شدیدبه توده‌های کارگروزحمتکش نقش ضدانقلابی خودرا درخدمت اعاده اوضاع مطلوب بورژوازی وامپریالیسم ایفا نموده ودیکتاتوری بورژوازی را درعریانترین ووحشیانه‌ترین شکل آن درایران برقرارکرده است.

سرنگونی رژیم‌جمهوری اسلامی وظیفه مبرم‌پرولتاریاوجنبش انقلابی را تشکیل میدهد.

★

آن نظام‌سیاسی که می بایدبا سرنگونی رژیم‌جمهوری اسلامی جایگزین آن گرددنبایدجمهوری پارلمانی باشد.تجربه‌سراسر جهان،وتیزتجربه ایران بخوبی ثابت کرده است که‌پارلمان همچون ارتش،پلیس ودستگاه‌بوروکراتیک دولت،یعنی ابزارهای حکومت سرمایه‌داران اعم‌ازسلطنتی وجمهوری ابزارسرکوب و تحمیق توده‌ها است.

ما برای یک جمهوری دمکراتیک انقلابی مبارزه میکنیم‌که نتیجه‌قیام ومبارزه‌قهرآمیزتوده‌ها بوده ومقاومت وتلاشهای نیروهائی راکه‌برای حفظ ویا اعاده‌رژیمهای استبدادی جمهوری اسلامی وسلطنت فعالیت میکنندد‌رهم‌کوبد.

این جمهوری برارکان زیرمتکی خواهدبود:

الف ـ حاکمیت مردم‌مبتنی بردمکراسی شورائی

ب ـ برچیده‌شدن ارتش وسایرنیروهای مسلح حرفه‌ای جدا ازمردم‌وجایگزین شدن آنها با تسلیح عمومی مردم

ج ـ برچیده‌شدن بوروکراسی دولتی مافوق مردم‌و جایگزینی آن توسط نظام‌دمکراتیک اداره‌کشور.

جمهوری دمکراتیک انقلابی ایران بایدبلادرنگ کلیه اقدامات ومطالبات سیاسی،اقتصادی ورفاهی بخش‌حداقل این برنامه‌را بعنوان رئوس‌اصلی قانون اساسی،قانون کار دمکراتیک وقوانین مربوط به‌رفاه‌اجتماعی اعلام‌نمایدوبمورد اجرا بگذارد.

★

۱ ـ حق حاکمیت مردم،اعمال حاکمیت توسط شوراهای مردم‌که‌هم‌بمثابه‌قانونگذاروهم‌بمثابه مجری قانون عمل خواهندکرد،تشکیل کنگره‌سراسری نمایندگان شوراهای مردم‌بعنوان عالیترین ارگان حکومتی کشور؛

۲ ـ برچیده‌شدن ارتش وسپاه‌پاسداران وسایرنیروهای مسلح حرفه‌ای جدا ازمردم‌وسازمانهای جاسوسی و اطلاعاتی مخفی؛ تسلیح عمومی مردم،آموزش نظامی مردم‌درتمام‌سطوح؛

۳ ـ حق رای همگانی،برابر،مستقیم‌ومخفی برای تمام افرادبالاتراز ۱۶ سال اعم‌اززن ومرد،حق هرفرد بالاتراز ۱۸ سال برای انتخاب‌شدن درهرنهادو ارگان نمایندگی؛

iran-archive.com

۴ ـ شرکت مستقیم مردم در ادارهٔ امور کشور، لغو کلیهٔ انتصاب استانداران، فرمانداران، بخشداران و شهرداران از سوی دولت، انتخابی بودن این مقامات در کلیه سطوح توسط مردم و قابل عزل بودن آنها هرگاه که اکثریت انتخاب کنندگان اراده کنند، افرادی که به این ترتیب در مصادر امور قرار میگیرند بدون استثناء حقوقی برابر دستمزد یک کارگر ماهر دریافت میدارند، حق افراد به اقامهٔ دعوی علیه هر مقام دولتی در دادگاههای عادی؛

۵ ـ انتخابی بودن قضات و سایر مقامات قضائی؛ قابل عزل بودن آنان هرگاه که اکثریت انتخاب کنندگان اراده کنند، لغو کلیهٔ هرگونه دادگاههای ویژه، علنی بودن کلیهٔ محاکمات؛

۶ ـ نظارت کامل مردم بر سیاست خارجی؛ لغو کلیهٔ دیپلماسی سری، شناسائی برابری حقوق کلیهٔ ملل و پشتیبانی مادی و معنوی از جنبشهای انقلابی کارگری، دمکراتیک و ضد امپریالیستی در سراسر جهان؛ افشا و لغو قراردادهای اسارت بار اقتصادی، سیاسی و نظامی امپریالیستی؛

۷ ـ جدائی کامل مذهب از دولت؛ لغو کلیهٔ:
هرگونه امتیاز و تبعیض در مشاغل دولتی و حقوق قانونی افراد بر حسب مذهب و مقام مذهبی آنان، و یا اعتقاد و عدم اعتقاد آنان به مذهب؛

هرگونه پرداخت کمکهای مالی و غیرمالی دولتی به فعالیتها و موسسات مذهبی؛
هرگونه مواد درسی و رسم و آئین مذهبی اجباری در مدارس و موسسات تعلیم و تربیت دولتی؛
هیچیک از مذاهب بعنوان مذهب رسمی کشور شناخته نمیشود، مذهب امر خصوصی افراد تلقی میشود و کلیهٔ افراد کشور در اختیار کردن هرگونه مذهب و یا نداشتن هیچگونه مذهب آزادند؛

۸ ـ حق ملل در تعیین سرنوشت خویش، کلیهٔ ملل ساکن ایران آزادند که سرنوشت خویش را بهر شکل و منجمله با جدائی کامل و تشکیل دولت مستقل تعیین کنند. جمهوری دمکراتیک انقلابی باید بر اساس اتحاد داوطلبانه ملتها، و نه الحاق اجباری آنها تشکیل گردد.
لغو کلیهٔ هرگونه زبان رسمی اجباری؛ آزادی ملیتها و قومها در بکار بردن زبان مادری خویش در مدارس، ادارات، رسانه‌های جمعی و غیره در کلیهٔ نقاط کشور؛

۹ ـ آزادی بی قید و شرط سیاسی؛ آزادی عقیده، بیان، مطبوعات، آزادی اجتماعات، انتخابات، تظاهرات، اعتصاب، تحصن، تشکیل سندیکا، اتحادیه و هرگونه تشکل صنفی و سیاسی؛

۱۰ ـ برابری زن و مرد در کلیهٔ حقوق قانونی و لغو هرگونه تبعیض قانونی بر اساس جنسیت؛

۱۱ ـ تساوی کامل حقوق قانونی کلیهٔ افراد کشور صرفنظر از مذهب و مرام و عقیده سیاسی، رفع هرگونه تبعیض و

iran-archive.com

محدودیت قانونی از اقلیتهای مذهبی و رفع هرگونه محدودیت درحقوق قانونی افراد برحسب مرام وعقیده سیاسی؛

۱۲ - آزادی انتخاب شغل ومحل سکونت ،آزادی سفروا قامت درتمام نقاط کشوربرای کلیه افراد ومصونیت قانونی هرفردومحل سکونت او ؛رفع دخالتهای پلیسی در زندگی خصوصی افراد.

★

درسرا یطی که تامین حداقل معیشت ورفاه ،برای کارگران مستلزم تن دردادن بکارشبانه روزی وتلف وطاقت فرسایی است که نیرووتندرستی آنان را تحلیل میبردوامکان وفرصت رشد معنوی وارتقاء سطح آگاهی سیاسی وطبقاتی راازآنان سلب میکند ،ما برای تامین آسایش ورفاه مادی کارگران وبه منظور مصون داشتن طبقه کارگرازتباهی روحی وجسمی وافزایش توان اودرمبارزه برای رهائی قطعی ازیوغ ستم واستثمارسرمایه داری، تحقق مکاسب زیررا برای کلیه کارگران خواستاریم:

۱ - تقلیل کارهفتگی به حداکثر ۴۰ ساعت ومقرر شدن حداقل دوروزتعطیل متوالی درهرهفته برای هرکارگر؛ افزایش مرخصی سالیانه به ۳۰ روزعلاوه برتعطیلات رسمی با پرداخت حقوق ومزایای کامل؛

۲ - تعیین حداقل دستمزدرسمی با تصویب نمایندگان سراسری منتخب کارگران برپایه هزینه وسائل معیشت ورفاه خانواده ۵ نفری وافزایش سطح دستمزدها

متناسب با بالارفتن بهای وسائل معیشت وبا درنظر داشتن بهبودسطح زندگی؛

۳ - تعیین دستمزد ،مزایا ومدت استراحت درفواصل کار روزانه برحسب سختی،مخاطرات ،وضعیت بهداشتی و دیگرشرایط فیزیکی کاربا تصویب نمایندگان منتخب کارگران ؛

۴ - ممنوعیت اخراج کارگران توسط کارفرما واحاله تصمیم نهائی درهمه موارداخراج به رای مجمع عمومی کارگران واحدمربوطه،نظارت نمایندگان منتخب کارگران برا مراستخدام؛

۵ - ممنوعیت هرگونه اضافه کاری؛

۶ - ممنوعیت شب کاری (۱۰ شب تا ۶ صبح)درتمام رشته ها به استثناء رشته هائی که بدلائل فنی ویا رفاه اجتماعی شب کاری درآنها اجتناب ناپذیراست ، پرداخت دستمزدومزایای دوبرابربرای کارشبانه ، پرداخت حق شیفت برای نوبت کاری؛

۷ - ممنوعیت هرگونه کار - مزدی (اعم ازقطعه کاری وکار کنتراتی)وممنوعیت پرداخت دستمزدبه صورت جنسی و غیرنقدی؛

۸ - ممنوعیت هرگونه جریمه وکسردستمزدبه بهانه های مختلف ،پرداخت حقوق برای غیبتهای موجه ،دوران بیماری ونقاهت ،زمان اعتصاب وهرگونه توقف تولیدبدلائل مختلف ویا به بهانه های کارفرما ؛

iran-archive.com

۹ ـ احتساب زمان صرف غذا ، استحمام بعد از کار روزمان تشکیل مجمع عمومی و شرکت کارگران در کلاسهای سوادآموزی جزء ساعات کار کارگران ،
تامین هزینه ایاب و ذهاب از طرف کارفرما ،
پرداخت مبلغی معادل دستمزد یکساعت کار بابت زمان صرف شده برای ایاب و ذهاب ؛

۱۰ ـ تضمین ایمنی و بهداشت محیط کار و تقلیل مخاطرات محیط کار به حداقل ممکن ، مستقل از ملاحظات سودجویانه ، نظارت و معاینه پزشکی منظم در برابر مخاطرات و بیماریهای ناشی از نوع کار به هزینه کارفرمایان و دولت ؛

۱۱ ـ بیمه کامل کارگران در مقابل صدمات و خسارات ناشی از کار ، اعم از اینکه در محیط کار و یا خارج از آن رخ دهد و بدون اینکه کارگر نیازی به اثبات قصور کارفرما و یا مدیریت واحد تولیدی داشته باشد ، به هزینه کارفرمایان و دولت با تشخیص و نظارت نمایندگان منتخب کارگران ؛ پرداخت خسارت به کارگرانی که در اثر سوانح و ضایعات ناشی از کار دچار بیماری و نقص عضو میشوند و یا توانائی کار کردن را از دست میدهند .
پرداخت حقوق و مزایای کامل با زنشستگی به کارگران مورد اخیر ،
لغو پرداخت حق بیمه از طرف کارگران ؛

۱۲ ـ تقلیل حداکثر سن بازنشستگی به ۵۵ سال و یا پس از ۲۵ سال سابقه کار و پرداخت حقوق و مزایای کامل به کارگران بازنشسته از طرف دولت ؛ پرداخت حقوق و

مزایای کامل بازنشستگی کارگران متوفی به افراد تحت تکفل آنان ، ترمیم حقوق و مزایای بازنشستگی همراه با افزایش سطح دستمزدها ،
در نظر گرفتن مجموع سنوات کار کارگران در کارخانه ها و یا دوره های مختلف در احتساب پایه حقوق و مزایای کارگران ؛

۱۳ ـ مزد برابر برای زنان و مردان در ازاء کار برابر ؛

۱۴ ـ ممنوعیت سپردن کار سنگین به زنان باردار ، ۱۶ هفته مرخصی دوران بارداری و زایمان برای زنان کارگر بدون کسر حقوق و مزایا ؛ مقرر شدن دو روز مرخصی ماهانه اضافی برای زنان با پرداخت حقوق و مزایای کامل ؛

۱۵ ـ کاهش روزکار مادران شیرده به ۷ ساعت شامل دو نوبت تنفس و استراحت نیم ساعته در فواصل حداکثر سه ساعته ؛

۱۶ ـ ممنوعیت کار حرفه ای برای کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال ؛

۱۷ ـ تامین نیازهای رفاهی و فرهنگی در محیط کار و محلات سازمانی مسکونی ، از قبیل : سالن اجتماعات ، سالن استراحت ، غذاخوری ، حمام و دستشوئی ، زمین و سالن ورزش ، شیرخوارگاه و مهدکودک ، درمانگاه ، کتابخانه و کلاسهای سوادآموزی بزرگسالان به هزینه کارفرمایان و دولت ؛

۱۸ ـ تنظیم و اعمال مقررات داخلی کارگاهها و واحدهای

iran-archive.com

تولیدی و اقتصادی با تصویب و نظارت نمایندگان منتخب کارگران؛

۱۹ـ تشکیل دادگاههای حل اختلافات با هیات منصفه ای متشکل از نمایندگان منتخب کارگران برای حکمیت در موارد اختلاف کارگر و کارفرما؛ هزینه تشکیل دادگاهها باید تماما بر عهده کارفرمایان باشد؛

۲۰ـ تشکیل هیات های بازرسی کارگری به انتخاب کارگران؛ این هیات ها از چگونگی نکات فوق در کلیه واحدهای تولیدی و بطور کلی تمام اماکنی که کارگران در آن مشغول بکارند (از جمله خدمات خانگی) بازرسی و حسابرسی خواهند کرد.

★

همچنین به منظور ارتقاء سطح فرهنگ و رفاه عمومی که بنوبه خود امر پیوستن سایر زحمتکشان جامعه را به مبارزه طبقه کارگر برای رهائی قطعی تسهیل خواهد کرد، تحقق نکات زیر را مطالبه می نمائیم:

۱ ـ بیمه بیکاری مکفی برپایه حداقل دستمزد برای هر فرد بیکار بالای ۱۸ سال؛

۲ ـ تامین و تضمین مسکن مناسب (از نظر فضا، بهداشت و خدمات شهری) برای کلیه افراد کشور و اقدامات عاجل در این زمینه از طریق: مصادره کلیه اراضی زمینخواران و اماکن تجملی و زائد شروتمندان، ساختمانهای ادارات

و دوایر دولتی زائد، هتل ها و مهمانسراهای لوکس و اجرای پروژه های کوتاه مدت خانه سازی در اراضی مصادره شده به هزینه دولت، با تشخیص و توسط ارگانهای دمکراتیک مردمی؛

۳ ـ بهداشت و درمان ملی، رایگان و مناسب برای کلیه افراد و اتباع کشور؛ انحلال طب خصوصی و معاینه اجباری سالانه و منظم تمام افراد و اتباع کشور؛

۴ ـ آموزش رایگان در کلیه سطوح و برای کلیه افراد؛ اجباری بودن آموزش تا سن ۱۸ سال؛

۵ ـ ایجاد تسهیلات فرهنگی و رفاهی در تمام مناطق محروم، اعم از شهری و روستائی، از قبیل برق، تلفن، لوله کشی آب آشامیدنی، حمام، راه، مدرسه، درمانگاه، ورزشگاه، سالن اجتماعات و غیره به هزینه دولت؛

۶ ـ ایجاد موسسات خدماتی ویژه بمنظور کاهش بار کار خانگی، از قبیل رختشویخانه، غذاخوری، مهدکودک، شیرخوارگاه و غیره در محلات مسکونی؛

۷ ـ لغو هرگونه مالیات غیر مستقیم؛

۸ ـ قرار گرفتن کلیه کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال که فاقد تامین معیشتی و رفاهی از طریق خانواده میباشند، تحت تکفل دولت و همچنین تامین زندگی و رفاه معلولین و سالخوردگان توسط دولت؛

۹ ـ لغو هرگونه عوارض دولتی در موارد چون ثبت تولد،

iran-archive.com

ازدواج وطلاق،صدوراسناد ومدارک تحصیلی و گواهینامه های فنی ورایگان بودن امرکفن ودفن؛

۱۰ـ ممنوعیت ازدواج دختران وپسران کمتراز ۱۸ سال وآزادی تمام افرادبالاتراز ۱۸ سال درتشکیل خانواده به اراده خود؛برسمیت شناخته شدن ازدواج ازطریق ثبت دردفاتردولتی؛ممنوعیت تعددزوجات ،برابری حقوق زن ومرددرامرطلاق وتکفل فرزندان.

★

ما همچنین بمنظورتسهیل امربسط مبارزه طبقاتی درروستا وبالابردن رفاه زحمتکشان روستا ،برنامه ارضی زیررا اعلام میداریم:

بدنبال اطلاعات امپریالیستی سالهای ۴۰،توده های وسیعی ازدهقانان ازمالکیت زمین ودیگروسائل عمده تولیدجداشده وبصورت کارگران مزدی روانه بازارکار شده اند.همچنین اقشارزیادی بصورت دهقانان فقیر خرده پائی (نیمه پرولتر)درآمده اندکه درآمدشان ازتکه زمینی که دارندکفاف حداقل معیشتشان رانکرده وناچار ازفروش نیروی کارخویش درقسمتی ازسال میباشند.

مسئله ارضی به مفهوم برچیدن قیدوبندهای فئودالی برسرراه رشدسرمایه داری درروستا ،ازمیان رفتن اقتصاد طبیعی وجایگزین شدن اقتصادکالائی بجای آن و" آزاد " شدن وکالا شدن نیروی کارحل شده است ،ودراین معنا حل مسئله ارضی دیگرمضمون اقتصادی انقلاب دمکراتیک را تشکیل نمیدهد.

تماحب زمینهای وسیع توسط بورژوا ـ ملاکان وآهنگ کندانباشت سرمایه درروستا ،زمینه مادی خواست ارضی را ازجانب زحمتکشان روستادرشرایط کنونی تشکیل میدهد.

ازاینروما اعلام میداریم که:

۱ ـ ازجنبه های انقلابی ودمکراتیک جنبش دهقانی،منجمله ازمصادره اراضی توسط زحمتکشان روستا حمایت میکنیم اقدامات شوراها وارگانهای دمکراتیک محلی درمناطق روستائی رادراداره وبهره برداری ازاراضی برسمیت میشناسیم.

ما بعنوان یک اصل کلی،ازآن شیوه ها واشکال اداره و بهره برداری حمایت میکنیم که با درنظرگرفتن ویژگی ـ های موجوددرنظام مالکیت وروشهای تولیدو بهره برداری درمناطق مختلف کشورحداکثرکمک را به امرتشکل پرولتاریای روستا وهمچنین بکارگیری روشهای پیشرفته تولیدی بنماید.

۲ ـ میکوشیم تا همراه با تبلیغ مستمرسوسیالیسم بمثابه راه حل نهائی ازمیان بردن فقرواستثماروتوضیح هم سرنوشتی کارگران روستا با پرولتاریای شهر، پرولتاریای روستا را درتشکیلات مستقل طبقاتی اش سازماندهی کرده واورادرکسب واعمال رهبری درشوراها وارگانهای دمکراتیک محلی درمناطق روستائی ودر تعیین چگونگی اداره وبهره برداری ازاراضی مصادره شده حمایت ورهبری نمائیم.

۳ ـ ما خواستارلغوکلیه دیون وبدهی های دهقانان به زمینداران،دولت وبانکها هستیم.

iran-archive.com

۴ ـ جمهوری دمکراتیک انقلابی کلیه اراضی شهری و روستائی، جنگلها، آبها و منابع با اهمیت ملی را درسراسر کشور ملی خواهد نمود. منظور از ملی کردن این است که کلیه اراضی و منابع تحت مالکیت دولت قرار گیرد، اما حق بهره‌برداری و واگذاری آن در اختیار ارگانهای دمکراتیک محلی و منطقه‌ای مردم باشد.

★

ما برای تضمین اهداف و تامین خواستهای اقتصادی و رفاهی فوق و برای گسترش اعمال اراده متشکل و هرچه وسیعتر کارگران و زحمتکشان در حیات اقتصادی و سیاسی خود انجام اقدامات زیر را از جانب جمهوری دمکراتیک انقلابی ضروری میدانیم:

۱ ـ مصادره و ملی کردن سرمایه‌ها در هر سطح و رشته‌ای که برای تامین و تضمین اهداف و خواسته‌های بخش حداقل این برنامه لازم باشد؛ مصادره و ملی کردن سرمایه‌های انحصاری خارجی و داخلی؛

۲ ـ در اختیار گرفتن صنایع و موسسات دولتی؛

۳ ـ ملی کردن بانکها و ادغام آنها در یک بانک واحد دولتی و اعمال کنترل دمکراتیک بر آن؛

۴ ـ ملی کردن شرکتهای بیمه و ادغام آنها در یک شرکت واحد بیمه و اعمال کنترل دمکراتیک بر آن؛

۵ ـ برقرار کردن کنترل شوراهای کارگری بر تولید در

صنایع خصوصی و دولتی در سطوح مختلف؛ نظارت شوراهای دمکراتیک مردم بر امر توزیع کالاها؛ کنترل شوراهای دمکراتیک مردم بر تجارت خارجی؛

۶ ـ ملی کردن موقوفات و مقرر داشتن مالیات تصاعدی بر ارث و دارائی و بر درآمدهای حاصل از مالکیت وسائل تولید و مبادله.

★

ما قاطعانه اعلام میداریم که تامین پیگیر و همه‌جانبه مطالبات سیاسی و اقتصادی حداقل پرولتاریای ایران تنها از طریق جمهوری دمکراتیک انقلابی ممکن خواهد بود. از اینرو ما با تمام احزاب و جریانات رفرمیستی که گسترش دخالتهای پلیسی و بوروکراتیک دولت در زندگی توده‌های مردم را بعنوان گامی به پیش تبلیغ میکنند، پیگیرانه مبارزه خواهیم کرد. در عین حال از هر جنبشی که مخالف نظام اجتماعی ـ سیاسی موجود بوده و به نحوی انقلابی در راه تحقق تمام یا قسمتی از نکات بخش حداقل برنامه حزب کمونیست ایران مبارزه کند، پشتیبانی میکنیم.

iran-archive.com